

تفاوت مرد و زن

گردآورنده: دکتر علی قره داغی
مشاور مراکز مشاوره دانشکده برق و مکانیک

میل اندر مرد و زن حق زن نهاد
روز و شب ظاهر دو ضد و دشمنند
لیک هر دو، یک حقیقت می تند
تا بقا یابد جهان زین اتحاد
مولوی

مقدمه:

تفاوت مرد و زن یکی از مهمترین و در عین حال ظریف ترین مسایلی است که بین محققین و دانشمندان علوم برقرار است. با اینکه تفاوت یک امری خدادادی و ذاتی است اما پی بردن به بسیاری از این نکات می تواند برای هر زن و مرد اعم از روابط خانواده و یا محل کار مفید و ارزنده باشد. ابتدا برای درک این مسئله باید دامنه های تفاوت و شاخص های آن را شناسایی و سپس در میزان و معیار مورد علاقه به بررسی پرداخت. آگاهی از وجود تفاوت های فردی بین انسان ها، چه کودکان و چه بزرگسالان، به اندازه خلقت انسان قدمت دارد. زیرا انسان های اولیه زمانی که در غارها یا جنگل ها زندگی می کردند، از تفاوت بودن یکدیگر کاملاً آگاه بودند، بدین صورت که وقتی به هم می رسیدند بلافاصله زور بازوی یکدیگر را تخمین می زدند؛ اگر طرف مقابل را ضعیف تر از خود می یافتند فوراً طعمه اش را از دستش می گرفتند و برعکس، اگر در می یافتند که حریف پنجه ی پر زورتر از آنها دارد، فوراً از سر راهش کنار می رفتند. چون این مطلب برای درس خودشناسی از زیر مجموعه های حوزه مدیریت تعریف شده لذا شاخص و معیارهایی برای شناسایی تفاوت ها در نظر گرفته شده که در این حوزه کاربرد داشته باشد و از بیان دیگر تفاوت ها خودداری می شود. تفاوت زیر به صورت مورد در زیر بیان می شوند.

ادراک شنوایی

از لحاظ مقایسه ادراک شنوایی، خانم ها چنان توان بالایی در این موضوع دارند که از هر صد محرک صوتی تقریباً تمامی آنها را می شنوند. در این زمینه تحقیقی در یک سالن بزرگ ارکستر صورت گرفت که در حدود دویست و پنجاه نفر سازهای مختلف می نواختند و خانم ها صدای اکثر آنها را تشخیص دادند؛ در حالی که آقایانی که رهبر ارکستر بودند صداهای تعدادی از سازها را نمی شنیدند. این نشنیدن آقایان به علت ضعف دستگاه شنوایی نیست بلکه بدین علت است که انسان در مغز یک پالایه یا صافی دارد که تمام صداها از آن صافی رد می شود و صدای مطبوع از آن پالایه عبور می کند و ما آن را می شنویم، گویا این پالایه در مغز خانمها به خوبی کار نمی کند از این رو خانم ها تقریباً تمام صداها را می شنوند و آقایان تنها صداهای انتخاب شده را می شنوند.

شنیدن زیاد انسان را خسته می کند، به خاطر همین می گویند زن موجودی است عصبی، زیرا همه صداها و محرک های صوتی را می شنود و در بسیاری از مواقع توان پاسخگویی به همه آنها را ندارد. آقایان کمتر می شنوند لذا کمتر انرژی مصرف می کنند، پس کمتر خسته می شوند.

قدرت بینایی

قدرت بینایی زنها همانند قدرت شنوایی، از مردها بیشتر است و این امر به خاطر این است که زنان ادراک جزئی دارند و مردها ادراک کلی. خانم ها تمام جزئیات را می بینند و آقایان فقط کلیات را می بینند. از این لحاظ سرعت ادراک در زن ها بیشتر است. منظور از سرعت درک این است که فرد با سرعت و دقت متوجه جزئیات امری شود و سپس توجه خویش را معطوف به مرحله دیگری از درک کند. آزمون های این توانایی زمانی بوده، و شخص باید در فاصله زمانی خاصی دو رشته عدد و یا حرف را با یکدیگر مقایسه کرده و به جوابهای مورد نظر برسد. در تحقیق دیگری هزار نفر زن و مرد را وارد یک سالن کردند که سن تمام این افراد نزدیک به هم بود و سواد و فرهنگ آنها نیز مشابه بود. از آنها خواسته شد هر آنچه در سالن می بینند بنویسند

سپس اطلاعات به دست آمده را مقایسه کردند. نتیجه به دست آمده بسیار جالب بود: خانم ها چندین صفحه نوشته بودند و آقایان فقط چند خط.

احساس و ادراک بویایی

نیز نتیجه به نفع خانمهاست، و این قدرت بویایی در زنان زن باردار قوی تر از افراد عادی است و یکی از دلایل ویا ر خانم ها نیز قدرت بویایی قوی آنهاست. علت این امر آن است که حس بویایی به میزان استروژن بستگی دارد و استروژن در این دوران افزایش می یابد. اصلاً قدرت بویایی، سنگ بنای رابطه احساسی بین مادر و کودک است. در تحقیقی چشم های تعدادی از مادران را بستند و سپس آنها را تک تک در مقابل عده ای نوزاد قرار دادند و مادران از طریق حس بویایی نوزاد خود را تشخیص دادند.

قدرت چشایی

زنان از قدرت بالایی نسبت به مردان برخوردارند. گاهی اوقات زنان شکایت می کنند که شوهرانشان در اوایل ازدواج از کیفیت غذای پخته شده توسط آنها تعریف می کنند ولی بعداً بی تفاوت می شوند. این امر مربوط به چشایی ضعیف مردان است.

حساسیت نسبت به درد

بعضی از تحقیقات نشان می دهد آستانه درد زن ها پائین است. قدرت تحملشان هم کم است یعنی با کمترین ضربه، احساس درد می کنند. در مقابل، آستانه درد مردها بسیار بالاست و قدرت تحملشان نیز بیشتر است و شاید یکی از علل آن ضعف نیروی ماهیچه ای در زن باشد.

حل مسئله

کارایی است که از طریق آن می توانیم براساس معلومات به دسته ای از مجهولات پی ببریم. در این نوع تفکر مردها از زن ها جلوترند. مردها برای حل کردن یک مسئله زمان کمتری می طلبند. کیفیت سرعت در حل مسائل در مردها بهتر است. تفکر حل مسئله ای در زن ها تحت تأثیر تفکر انتزاعی آنها به کندی پیش می رود. حافظه زنان مانند بایگانی، پرونده های قطور دارد و بسیار گسترده است، به همین خاطر دیر به جواب میرسند. جزئی نگریستن در زن ها و توجه و حساسیت بیش از حد به مسائل جزئی، آنها را از پرداختن به مسائل مهم و با ارزش باز می دارد.

هوش و استعداد

درباره رابطه هوش با جنسیت می توان مسائلی را مطرح ساخت، از جمله آنها موضوع رشد جسمی و هوش است که در جنس مرد بیشتر ادامه می یابد و طی آن سلول های مغز کامل تر و پیچیده تر می گردد. مسأله دیگر قشر مخ است که در هوش و استعداد نقش اساسی دارد، و از آن جا که برخی از کارکردهای آن در دو جنس متفاوت می نماید، تمایز جنسی در هوش قابل بحث می نماید. در بهره هوشی نیز تفاوت های جنسی دیده می شود. ضریب هوشی در حد نوابغ میان پسران 57 درصد و میان دختران 43 درصد است. و براساس مطالعات و برخی آزمونها در ضرایب بالای هوشی درصد پسران افزایش می یابد.

در زمینه خلاقیت و نبوغ مطالعات حاکی است که خلاقیت مردان بیش از زنان است، و پسران در فعالیتهای اکتشافی بی باک تر و کنجکاوترند، و در میان نوابغ رشته های مختلف علوم تعداد زنان اندک است. زنان در حافظه فوری از مردان برترند، و در حافظه غیرفوری مردان بر زنان برتری دارند.

هوش پسران بهتر از دختران است. در فهم مطالب نیز پسران راحت تر از دختران مطالب را می فهمند. از طرفی پژوهش های انجام شده در زمینه توانایی فضایی حاکی است که سه نوع توانایی فضایی وجود دارد و هر کدام در میان دو جنس تفاوت های محسوسی دارد.

رشد اخلاقی

اندیشه اخلاقی زنان به طور عمده به روابط بین فردی توجه دارد و با احساس مسئولیت نسبت به دیگران همراه است و جنبه‌ای از خودگذشتگی دارد. برای مردان خودمختاری و شایستگی مبنای قضاوت اخلاقی است و اخلاق پسران بیشتر بر مبنای عدالت شکل می‌گیرد. پسران بیشتر از دختران از سخنان رکیک لذت می‌برند و بیشتر از آنها از قوانین اخلاقی سر می‌پیچند. زنان گرچه احساسی‌ترند ولی در مسائل اخلاقی سخت‌گیرترند.

توانایی ریاضیات

در میان تفاوت‌های شناختی مرد و زن، توانایی دریافت ریاضیات بیشترین توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. پژوهش‌ها در بعضی از موارد همانندی و در مواردی دیگر، ناهمانندی را نشان می‌دهد. براساس پسران و دختران تا پایان دوره کودکی از نظر توانایی دریافت ریاضیات، « جاکلین » و « مک کوبی » بررسی‌های همانند یکدیگرند. از آغاز 12 سالگی پسران در مقایسه با دختران نمره‌های بالاتری از درس ریاضی می‌گیرند. اما تفاوت‌های پایدار و معنی‌دار آنها در حدود 15 سالگی آشکار می‌شود. پژوهشگران علت این امر را چنین می‌پندارند که پسران در مقایسه با دختران، بیشتر به بازی‌های ریاضی و فضایی می‌پردازند و این خود انگیزه آنان را برای یادگیری بهتر و بیشتر افزایش می‌دهد.

بینش و بصیرت نسبت به خود

خانم‌ها از وضعیت ظاهری و از حالات روانی و درونی خود از آقایان آگاه‌ترند، و به خاطر همین برتری با کوچکترین نشانه بیماری به پزشک مراجعه می‌کنند، تعداد مراجعین زن به پزشک بیشتر از مردان است، اما آقایان گاهی چنان از جسم و روان خود بی‌خبر می‌شوند که گاهی جان خود را از دست می‌دهند و پس از مرگ مشخص می‌شود که به بیماری‌های مزمن مبتلا بوده‌اند. آقایان بیش از خانم‌ها به روان خود تسلط دارند و به خاطر همین توان سازگاری و انطباق بیشتری نیز دارند.

وابستگی و استقلال

موضوع وابستگی زن به مرد و استقلال خواهی مرد، از نظر وضعیت جسمانی یک امر طبیعی است، روان زن به وابستگی گرایش دارد، از تنهایی می‌ترسد، و در ارتباط با دیگران کارآمدتر می‌شود. و از آن سوی مرد استقلال طلب است. زمانی که نیازمندی دیگران را به خود در یابد احساس توانمندی می‌کند.

توانایی‌ها و مهارت‌های کلامی

در زمینه تفاوت‌های جنسی نسبت به توانایی‌های کلامی، بیشتر اندیشمندان بر این باورند که برتری اندک دختران بر پسران در گویش مورد تأیید است. این تفاوت از دوران نوزادی شکل می‌گیرد، در مرحله کودکی نسبت به تعداد یادگیری نخستین کلمات و ساختن جمله‌ها و آدای رسا و روشن آنها، و میزان استفاده از کلمات، حفظ خزانه لغات، خواندن و خلاقیت کلامی، نوشتن و هجی کردن و نکات گرامری، دختران از پسران برتر به نظر می‌رسند، آزمون‌هایی که درباره استعمال زبان و مهارت‌های کلامی است، این مطلب را تأیید می‌کند، و این امر در بازی‌ها و دیگر رفتارهای آنها مشاهده می‌شود، دختران با استفاده از توانایی کلامی خود بیشتر به بازی‌هایی رو می‌آورند که بتوانند مهارت‌های کلامی خود را در آن به کار گیرند، و پسران به حادته جویی و بازی‌های پرتحرک علاقه نشان می‌دهند. دختران پیش از آن که بتوانند سخن بگویند به صحبت‌های بزرگسالان توجه و واکنش بیشتری دارند، و به طور کلی دختران در رشد زبان یک تا دو ماه از پسران جلوترند. اختلافات سخن گفتن میان آنان کمتر است و خواندن را زودتر از پسران می‌آموزند، و در دوره دبیرستان در آزمونهای دستور زبان دیکته و سیالی واژگان پیشرفته‌ترند. گذشته از این تعداد پسران مبتلا به عقب ماندگی از نظر خواندن به 2 برابر دختران می‌رسد، و لکنت زبان در میان پسران بیش از دختران است. گروهی نیز با توجه به تحقیقاتی نظر داده‌اند که تفاوت در توانایی‌های کلامی بین پسران و دختران در مقایسه با سه دهه گذشته کمتر شده است. و از این مطلب نتیجه‌گیری شده که ممکن است این تفاوت از عوامل محیطی و زمینه‌های فرهنگی ناشی شود و الگوهای جنسی زن و مرد که در آن خواندن کار زنانه دانسته می‌شد، به این ضعف انجامیده است. این گونه اظهار نظرها با توجه به دلایل فراوانی که برای مهارت‌های کلامی زنان وجود دارد چندان درست به نظر نمی‌آید. و مواردی که در آن برابری دو جنس در این زمینه مشاهده گردد از حد استثنا فراتر نمی‌رود. بافت‌های پیوندی

اضافی مغز زنها که از میلیونها سلول پیوندی عصبی تشکیل شده اند، بین مرکز احساسات و « گفتار در مغز قرار گرفته اند و باعث می شوند مهارت های زبانی دخترهای کوچک قبل از پسرها توسعه یابد مغز زن طوری سازمان یافته که بتواند به طور مؤثرتر احساسات خود را ابراز کند، و از این رو صحبت کردن از زن جدا نشدنی می نماید، مرد باید نخست درباره احساساتش فکر کند و آن گاه سخن بگوید، در حالی که یک زن می تواند همزمان حس کند، بیندیشد و حرف بزند. بسیار اتفاق می افتد که زنی با صحبت کردن، کشف می کند که چه می خواهد بگوید مردها غالباً پیش از آن که درباره موضوعی حرف بزنند یا جوابی بدهند، یا تجربه ای به دست آورند، در آغاز بررسی می کنند و درباره اش می اندیشند. و این پدیده ها از آن جاست که مرد یا زن می تواند به طور همزمان دو نیمکره مغزش را به کار گیرد. ولی مردان یا می توانند از مهارت های زبانی نیمکره چپ مغزشان استفاده کنند، و یا از مهارت های معنایی و مشکل گشایی نیمکره راست بهره ببرند. و در هر صورت این نکته مهم شایان توجه است که برتری زنان در تواناییهای کلامی، از حد سیالی کلام فراتر نمی رود. در درک کلامی و استدلال به آن (مانند قیاس کرد) دختران بر پسران برتری ندارند. در آزمونهای غیر کلامی تفاوت چشمگیری میان دختر و پسر بروز می یابد، و این تفاوت همواره (به جز آزمون رمز نویسی) به نفع پسرهاست.

نتیجه گیری

گوهر وجودی زن و مرد یکی است، هر دو انسانند و طبیعتاً با یکدیگر شباهت های بسیار هم دارند، ضمن آنکه در مواردی با یکدیگر تفاوت دارند. متأسفانه پژوهش ها و گرایش های علمی بیشتر به تفاوت های زن و مرد، و نه بر شباهت های آنها تکیه دارد. افزون بر آن جنس زن و مرد در پاره ای از ویژگی ها همپوشی های زیادی را نشان می دهند که در این مورد باید به توزیع فراوانی این ویژگی ها در دو جنس توجه کرد و دریافت که میانگین نمره های هر گروه در مقایسه با دیگری در آزمون های مربوطه چه میزانی است. اگر بتوان درک درستی از این تفاوت ها یک مدیر در بین کارمندان شناسایی کند براحتی می تواند روش مدیریت خود را شناسایی و جانشانی افراد را برای هر موقعیت کاری تعیین کند مثلاً هیچگاه یک مرد نمیتواند یک منشی و دبیر جلسه باشد و بالعکس یک زن هیچگاه نمیتواند برای کارهای فوق محاسباتی و عملیاتی و سنگین بکار گمارد. اما این نکته را نمیتواند در نظر داشت که برای هر یک این تفاوت ها استثنا و تبصره ای است. گاهی روابط زنان و مردان (مدیران - کارمندان) پر از برخورد و کشمکش می شود، چون فراموش کرده ایم زنها و مردها با هم متفاوت اند. وقتی زنان و مردان تفاوت های همدیگر را بپذیرند، به جای مقاومت در برابر یکدیگر و یا تلاش برای تغییر دادن افکار و رفتار، به نقطه ای می رسند که همکاری متقابل و همدلی را بهترین شیوه ارتباطی برای یک کار موفق می یابند.

به عنوان مثال یکی از تفاوت های اساسی، شیوه برخورد این دو جنس با استرس (فشار عصبی) است. زنان در برخورد با موقعیتهای ناراحت کننده، سعی می کنند در رابطه با موضوع صحبت کنند مرتب حرف بزنند و بقول معروف یک گوش بیکار پیدا کنند. تنها از این راه است که به آرامش می رسند. بسیاری از اوقات هدف از صحبت درباره مشکل چاره اندیشی نیست. بلکه یافتن گوش شنوا است که با تمام وجود افکار و احساسات او را درک کند. در حالی که مردان تا راه حلی برای مشکلات خود نیابند در افکار خود فرو رفته و پیرامون مشکل، در ذهن می اندیشند. در چنین حالتی برای مرد دشوار است تا توجه خود را به چیزی غیر از مسئله پیش آمده جلب کند. اگر این تفاوت را از نظر دور کنیم به آنجا می رسیم که در گلایه های مدیر و کارمندان می شنویم که مردها از غرولندهای مکرر خانم های همکار شکایت دارد و خانمها از بی توجهی و بدخلقی همکاران مرد. در حالی که آنچه را مردان از آن به عنوان غرولند یاد می کنند تنها تقسیم نگرانیهای زنان به منظور دستیابی به آرامش یافتن، رفتار همدلانه و رهایی از فشار عصبی است. هدف زنان از صحبت کردن در اکثر موارد، مقصر قلمداد کردن مردان و یا نشان دادن بی مسئولیتی و یا عدم تعهد آنان نیست. و به عکس آنچه مردان، در برخورد با استرس سعی می کنند به فکر فرو رفته و تا زمان حل مشکل در افکار خود باقی بمانند. زنان نیز بهتر است این وضعیت را به معنای بی توجهی و نادیده گرفته شدن نسبت به خود تلقی نکنند. زنان باید بیاموزند که وقتی مردان به دنیای ذهنی (غار درون) خود پناه می برد به طور ضمنی این پیام را اعلام می کند که " من کار دارم " " من در شرایط دشواری قرار دارم که صحبت کردن درباره آن برایم آسان نیست " و ... گاهی اوقات مرد واقعاً در شرایط توجه و گوش دادن نیست. در این حالت بهتر است زنان بیش از پیش پذیرا باشند و به جای صحبت کردن و حرف زدن مرتب (که چندان مقبول مردان نیست) با احترام فراوان، برای خواست او ارزش قائل شده اجازه دهند گوشه ای آرام در زوایای روحش و تنها برای خود داشته باشد و بیندیشد مدیران چه زن و یا مرد باید یاد بگیرند که تفاوت های زنان و مردان در روابط اجتماعی باید مکمل هم در هر زمان باشد.

منابع

- بادانتر الیزابت، زن و مرد، ترجمه سرور شیوا رضوی، چاپ اول، انتشارات داستان و هاشمی، ۱۳۷۷، ص ۶۰
- سوسن سیف و همکاران، روان شناسی رشد (۱)، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۸۷
- روزه پیره: روان شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه حسین سروری، انتشارات جانزاده، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷
- سکلتون و همکاران: تفاوت‌های فردی، ترجمه یوسف آریمی و همکار، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی